

درام نویسی

ریشار واگنر

از دکتر مهدی فروغ

بین مصنفان مشهور موسیقی مغرب، معدودند کسانی که کار اختصاصی آنها «درام توام با موسیقی» (Drama par Musica) یا اپرا بوده باشد و معروفترین آنان ریشار واگنر است. باید دانست که واگنر که شاید بعضی او را منحصراً مصنف موسیقی بشناسند در درجه اول یک شاعر درام نویس است تا یک مصنف موسیقی، زیرا نخستین علاقه و توجه وی به درام و درام نویسی بوده و موسیقی را فقط برای بهتر بیان کردن شعر بکار میبرده است.

واگنر پدر خود را در کودکی از دست داد و تحت سرپرستی ناپدری اش که درام نویس و هنرپیشه و درعین حال نقاش بود بزرگ شد. اول بنا بود نقاش شود ولی چنانکه خودش مینویسد در این فن ذوقی نداشت. بعد بموسیقی پرداخت و پیش از اینکه شش ساله شود قطعاتی با پیانو مینواخت ولی در این دوره نیز موسیقی برای او در درجه دوم اهمیت بود و بیشتر وقت خود را

به کارهای ادبی صرف می‌کرد و در یازده سالگی اشعاری ساخت و چاپ و منتشر کرد. بتدریج تمایل او به درام نویسی قوت گرفت بحدی که در کودکی مشغول فراگرفتن زبان انگلیسی شد، باین قصد که بتواند آثار شکسپیر را بزبان اصلی مطالعه کند و طولی نکشید که نمایشنامه‌ای نیز بشیوه تراژدیهای شکسپیر نوشت. نخستین باری که قطعه اگمنت (Egmont) اثر بتهوون را شنید بطوری مجذوب شد که بفکرافتاد برای تراژدی خود آهنگهایی بهمان شیوه تصنیف کند. در این موقع بود که تصمیم گرفت آهنگساز شود و در مدت کوتاهی انواع مختلفی آهنگ ساخت که از جمله آنها يك «اورتور» بود که در حضور جمع نیز اجرا شد.

ایمان و اعتقاد و اگنورا به تئاتر و هنرهای دراماتیک از مطالعه اپراهای معروف او مخصوصاً «تریستان و ایزولد» میتوان دریافت. تصویر زندگی و کوشش بشر و نکات دقیق و افکار و اندیشه‌های رقیقی را که در هر اثر خوب دراماتیک باید موجود باشد در اپرای تریستان و ایزولد میتوان یافت. اپرای تریستان و ایزولد را از لحاظ هیئت و صورت و اصول و قواعد درامی و عمق معنی و استحکام هنری با آثار درام نویسان دوره نئو کلاسیک فرانسه از جمله «راسین» و همچنین با آثار کلاسیک یونان قدیم میتوان مقایسه کرد. بدیهی است برای چنین مقایسه‌ای باید شرایط زمان و مکان را از لحاظ سیاسی و اجتماعی و علل و موجباتی که سبب بوجود آمدن آن در قرن نوزدهم شده در نظر بگیریم.

با مطالعه آثار واگنر - آنچه آثار موسیقی او و چه آثاری که تحت عنوان انتقاد در تحقیق اصول و مبانی صوری و معنوی هنرهای درامی تصنیف کرده است - معلوم میشود که وی نیز از جمله آن هنرمندانی است که در عالم هنر باید نامشان را در ردیف «پیامبران هنر» ثبت کرد و با «بتهوون» و «ایسن» و «دولا کروا» نقاش معروف رومانتیک و دوست و بوسکی قرابت و شباهت داد و نکته مهم در همین است که با وجود کوشش او به تبعیت از قواعد درامی دوره کلاسیک، تأثیر شیوه رومانتیک نیز در اپراهای او فراوان است. ولی آنچه بیشتر از همه واگنر را يك مرد تئاتر معرفی میکند اندیشه و تصور او در تصنیف اپراهای اوست. واگنر همان طریقی را پیموده است که

پیش از او «کرنی» و «راسین» پیموده اند یعنی همان اصول و مبانی تراژدی را که در یونان قدیم معمول بوده تبعیت کرده و آنها را مبنای آثار خویش قرار داده است.

خود واگنر در نامه‌ای که نوشته و در مقالاتی که بعنوان مقدمه بر اپراهای خود تدوین کرده اذعان دارد که آثار یونانیان قدیم برای او منبع الهام و مایه فیض بوده است. ولی واگنر نیز مثل راسین و کرنی مطالبی از یونانی‌ها دریافت و اقتباس کرده که در جستجوی آن و از لحاظ ذهنی آماده درك و استنباط آن بوده است.

افسانهٔ ترستان و ایزولد مثل هر افسانهٔ دیگر مکرر مورد علاقه نویسندگان و هنرمندان واقع شده و هر کس بنا بدوق و سلیقهٔ خود آنرا طوری تفسیر کرده است. واگنر خود مینویسد که خلاصه و اهم وقایع این داستان را برای اپرای خود انتخاب کرده است یعنی از اشخاص داستان و وقایع آنهایی را برگزیده که بتواند با آن هیجان انگیزترین و در عین حال ساده‌ترین و تاریکترین دقائق آن داستان یا سرنوشت زندگی بشر را توصیف کند. این داستان بصورتی که واگنر در اپرای خود آنرا بکار برده از این قرار است:

ترستان در خانه و در دربار عموی خود «مارک» پادشاهان منطقه کرن‌وال (Cornwall) واقع در جنوب غربی انگلیس زندگی میکنند. در جنگی که بین کرن‌وال و ایرلند رخ میدهد ترستان قهرمان معروف آن کشور را که «مورولد» (Morold) نام دارد و نامزد ایزولد شاهزاده خانم ایرلند است میکشد. و ایزولد پیکر زخم‌خورده ترستان را پس از پیکار با مورولد مییابد و با وجود اینکه ترستان خود را اینام «تانتربیس» (Tantris) معرفی میکند شاهزاده خانم ایرلند او را میشناسد و در صدد برمی‌آید که بایک ضربه کارد انتقام نامزد خود را از او بگیرد ولی ترستان با چشم‌های ملتمس خود با او مینگرد و دل او را برحمتی آورد. در همین موقع آثار عشق و علاقه بین آن دو ظاهر میشود بدون اینکه هیچیک حاضر به قبول آن گردد. ایزولد که در سحر و جادو تواناست زخمهای تن ترستان را علاج میکند و او را به کشورش کرن‌وال باز میگرداند.

ترستان با حقه و نیرنگ عموی خود را وادار میسازد که از شاهزاده

خانم ایرلند خواستگاری کند و او را ملکه خویش سازد. و پادشاه، خود او را وادار میسازد که برای خواستگاری و آوردن عروس به ایرلند عزیمت کند. اولین باری که این دونفر بمیزان عشق و علاقه مفرط خود بیکدیگر آگاه و معترف میشوند، موقعی است که در کشتی عازم کرن وال هستند. شدت این عشق را بحدی زیاد می بینند که برای فرار از آن و خلاص کردن جان خود از التهاب سوزان عشق مصمم بخود کشتی میشوند. جامی را که سم مهلك تصور میکردند سر میکشند ولی پرستار ایزولد محتوی جام را قبلا عوض کرده است و رابطه بین این دو بصورت عشق و علاقه ای محکم و استوار درمی آید و پیش از اینکه کشتی به بندر وارد شود باهم عقد یگانگی می بندند و با بوسه های گرم آنرا مهر میکنند و پس از ورود به کرن وال و پایان پذیرفتن جشن عروسی بین پادشاه و ایزولد، رابطه عشق خود را همچنان حفظ میکنند. رفیق تریستان داستان پنهانی عشق ایشان را فاش میسازد. شبی که این دو عاشق در گوشه تنهایی برآزونیاز عاشقانه مشغول اند پادشاه و همراهانش سر می رسند و بین پادشاه و تریستان پیکاری درمیگیرد و تریستان مجروح میشود و در کاخ ویرانه ای از جهان میرود. ولی پیش از مرگ ایزولد او را می یابد و او نیز در جوار دلدادۀ خویش جان میسپارد و باین ترتیب در جوار یکدیگر از دنیا میروند.

بین این داستان و داستانهای رومانتيك مشابه آن از جمله رومیو و ژولیت اثر شکسپیر و آثار دیگری که در آن عشق به مرگ منتهی میشود شباهت زیاد موجود است و همان قسم که شکسپیر تلخکامی و تندی عشق قهرمانان داستان خود را بشدیدترین مرحله میرساند و اکثر نیز رنج جانگزیای عشق این دو دلداده را بانهایت قوت و شدت توصیف میکند. این ابرار از يك طرف میتوان بانمایشنامه هائی که در قرن نوزدهم معمول و معروف بوده و آنها را بزبان انگلیسی Well made plays و بفرانسسه Les pièces bien faites مینامیدند و ما آنها را به « نمایشنامه های خوش اسلوب » تعبیر میکنیم و نویسنده معروف این شیوه «اسکریب» (Scrib) است میتوان مقایسه کرد. در صحنه اول وقایع داستان و اشخاص عمده بازی معرفی میشوند و این همان است که در این مکتب درام نویسی آنرا «تعریف» (Exposition) مینامیم و

عبارت است از توصیف و بیان کشمکش بین ترستان و ایزولد و دین اخلاقی آندو به پادشاه . هر پرده وقایع داستان بیک اتفاق فوق العاده که موجب تحریک انتظار مستمع میگردد و آنرا «تعلیق» (Suspens) نامیده ایم ختم میشود مثلا درست قبل از اینکه کشتی به بندر گاه برسد، شور عشق ترستان و ایزولد بنهایت شدت میرسد و یکدیگر را میبوسند و موسیقی نیز به این هیجان میافزاید. پرده دوم که داستان را بسط میدهد و کشمکش را قوت میبخشد بفاش شدن اسرار عشق بین ترستان و ایزولد و پیکار بین ایزولد و پادشاه منتهی میگردد و کشمکش درحقیقت باوج شدت که آنرا نقطه بحران مینامیم میرسد. پرده سوم نیز که در آن مشکلات و پیچیدگی های داستان حل میشود و آنرا Dénouement مینامند بهرگ عاشق و معشوق ختم میشود.

راجع به جنبه های دراماتیک ابراهای واگنر و شیوه کار او از این لحاظ بحث فراوان میتوان کرد و امیدوارم درآینده باز بتوانیم دراین مورد مطالبی تدارک کنیم.



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بوتال جامع علوم انسانی